چالش‌ها و تجربیات صادرکنندگان پسته در کنترل باقیمانده سموم


دنیس کتابی


بهرام آگاه


زهرا مرتضوی


محمدعلی انجم‌شعاع


محمدرضا فرشچیان

بهرام آگاه:

مراحل کنترل باقیمانده سموم

نکات اصلی در مورد اهمیت مسئله باقیمانده سموم در تجارت پسته را در جلسه قبلی که کمیته بازرگانی در این مورد برگزار کرد، مفصل شرح دادم. به‌صورت خلاصه اهم مطالب را تکرار می‌کنم.

ما برای کنترل باقیمانده سموم بعد از مرحلهٔ باغ، دو کار انجام داده‌ایم؛

۱- مهندسی محصول؛ که منظور از آن تنظیم‌هایی بوده که روی مواد اولیه انجام دادیم. بارهایی داشتیم که از لحاظ میزان باقیمانده سموم جواب‌های خیلی خوب داشت، بارهایی هم داشتیم که لب مرزی بودند یا حتی حدودشان تا اندازه‌ای بالا بود. عملاً با یک نوع مخلوط کردن‌های طراحی شده روی ماده اولیه می‌توانستیم به حجم بیشتری از باری برسیم که مورد قبول مشتری و بازار سخت‌گیر اروپا باشد. برخلاف افلاتوکسین، آلودگی باقیمانده سموم یکنواخت است. اگر ماده اولیه نسبتاً بزرگی داشته‌باشید که جواب‌های تست آن نسبتاً خوب و زیر حد مجاز باشد، می‌توان مهندسی محصول انجام داد. البته این کار در مورد پسته صدق می‌کند، نه روی مغز سبز، چون مغز سبز ورودی‌اش خردتر است. در مهندسی محصول، یک محموله پسته که باقیمانده سم نزدیک به صفر دارد را از طریق یک تناسب‌بندیِ نسبتاً ساده با یک محموله دیگر که جواب‌های نه لزوماً خیلی بالا، ولی در حد قابل قبول ندارد، می‌توان مخلوط کرد؛ این کار یک پیچیدگی‌های جزئی دارد و همیشه هم به‌طور کامل درست از آب در نمی‌آید، ولی با این روش می‌توان مقداری از بارهایی که به‌خودی خود امن به حساب نمی‌آیند و یا داخل حد مجاز نیستند را عملاً با این سیستم مهندسی مخلوط کرد. اما در مورد بارهایی که نمی‌دانیم جواب‌شان چیست و یا نسبت به آنها حسی نداریم، باید از اختلاط آنها با بارهایی که حد پایینی از آلودگی دارند جلوگیری کنیم، چون اختلاط موادی که جواب‌شان را نمی‌دانیم، می‌تواند منجر به ریسک‌های خیلی بزرگی شود.

۲- ایجاد همزمانی بین دو نوع قرارداد. همزمان قراردادهای میان‌مدتی داشتیم که از همان مواد اولیه می‌شد در بازارهای مختلف استفاده کرد. از آنجا که انجام تست‌ها و به نتیجه رسیدن آن پروسه زمان‌بری است، داشتن قراردادهای همزمان در بازارهای مختلف با شرایط مختلف و درجه سخت‌گیری‌های مختلف، این امکان را به ما می‌دهد که ماده اولیه را تهیه کنیم و روی آن، تعدادی بازار ثانویه بدون این کنترل‌ها بسازیم. مثلاً در مورد مغز سبز بازارهای کالکی وجوددارد که حساسیت روی باقیمانده سموم ندارند؛ کاری که ما می‌کردیم این بود که مقداری قرارداد کالک می‌بستیم، ولی از لحاظ تحویل دادن همزمان با قرارداد شرط‌دارمان در بازار دیگر بود. این‌کار به ما این امکان و قدرت را می‌داد که از مواد اولیه‌ای که در طول یک ماه آینده تهیه می‌کنیم، عملاً به مدت سه ماه برای انجام تست فرصت داشته‌باشیم. با ایجاد

همزمانی این دو نوع قرارداد با هم، می‌توانیم عملاً دست خودمان را در تهیه مواد اولیه مقداری بازتر کنیم.

اصل اصلاح مدل تجاری؛ یک نکته مهم هم اضافه کنم؛ جمع این راه‌حل‌هایی که توضیح دادم که مربوط به مرحله بعد از باغ هستند، روی‌هم‌رفته ۱۰ درصد مسئله را بیشتر برای ما حل نکرده‌است! ۹۰ درصد مسئله باقیمانده سموم برای شرکت ما زمانی حل شد که عملاً تضاد منافع بین دو بخش کشاورزی و تجارت را از روی میز برداشتیم. برای مثال، اساس فعالیت ما در مجموعه مغز سبزمان این است که باطناً یک کار تجاری نمی‌کنیم، بلکه این کار به‌عنوان یک فعالیت خدماتی برای کشاورزان انجام می‌گیرد. اساس آن یک تعاونی است؛ به این ترتیب که پسته از باغدار تحویل گرفته می‌شود، کارهای فرآوری روی آن انجام می‌گیرد، نهایتاً مغز سبز پسته صادر می‌شود و فروش می‌رود و هزینه‌ها و سود تعریف شدهٔ مدیریتی آن کم می‌شود و منافع حاصله به کشاورزانی که ماده اولیه را در مجموعه گذاشتند، برگردانده می‌شود. با این مدل، اساساً می‌توان مسئله تضاد منافع بین باغدار و کشاورز را حل کرد. البته آن مجموعه واقعاً یک تعاونی است و هیچ‌وقت سود یا ضرر تجاری به‌معنای عام ندارد، بلکه نهایتاً محاسن، معایب، منافع و مضرات قیمتی کل این پروسه به باغدار برمی‌گردد. بنابراین، اصلاح مدل تجاری بزرگ‌ترین سرفصلی است که به ما کمک کرده تا بتوانیم با مسائل باقیمانده سموم دست و پنجه نرم کنیم.

خبر جدید در بازار اروپا؛ باقیمانده سموم قابل پیگیری قضایی است

امروز می‌خواهم اخباری ارائه دهم که به‌تازگی از بازار اروپا کسب کرده‌ام. یک موضوع که به‌طور فزاینده مهم به‌نظر می‌رسد این است که در داخل اروپا از الان به بعد بعضی از این مسائل، از جمله باقیمانده سموم، دیگر فقط اهمیت تجاری نخواهندداشت. قوانینی الان در اروپا وجوددارد که اگر فعالیت خریداران کالا به‌طور کامل با آن قوانین همخوانی نداشته‌باشد، خریداران حتی می‌توانند مورد پیگرد قضایی قرار بگیرند. تا الان بیشتر تفاوت‌ها به اختلاف قیمت بارهای بدون باقیمانده و با باقیمانده مربوط می‌شد، اما به‌نظر می‌رسد شرایط از این به بعد با سرعت بیشتری در حال تغییر باشد. بنابراین، این موضوع از این به بعد فقط جنبه تجاری و سود و زیان ندارد، بلکه عواقب کیفری نیز به‌دنبال خواهدداشت. به‌نظر می‌رسد تبعات حساسیت‌های روی این موضوع از آنچه که در جلسه قبل بحث کردیم، فراتر خواهدرفت. البته، می‌دانیم که بعضی از خریداران کوچک مغز سبز در اروپا هستند که از صادرکنندگان خرید می‌کنند و ظاهراً مشکلی نیز ندارند، اما باید اخطار بدهم که ممکن است این خریداران خُرد در جریان تغییراتی که در حال وقوع است، نباشند. به‌نظر می‌رسد، باید خودمان را برای شرایط پرآشوب‌تری در آینده از این منظر آماده کنیم. البته این موضوع فقط شامل حال ما نمی‌شود. حتی در مورد پسته آمریکایی هم شنیده‌ام بارهایی بوده که وارد اروپا شده، برشته و بسته‌بندی و وارد سوپرمارکت شده‌اند، اما بعد به‌علت وجود باقیمانده سموم از سوپرمارکت برگشت خورده‌اند. حالا شما در نظر بگیرید تمام مسائلی را که این موضوع از لحاظ هزینه‌ای و مسئولیتی ایجاد می‌کند در چه سطحی هستند؟!

زهرا مرتضوی:

سختگیری روی باقیمانده سموم به اندازه افلاتوکسین

الان دیگر حساسیت بازار روی موضوع باقیمانده سموم تقریباً مثل افلاتوکسین شده و سختگیری‌ها بسیار بالا رفته‌است؛ بیش از ۹۰ درصد از مشتریان ما الان خواستار بار بدون باقیمانده سموم هستند. این موضوع بسیار مهم است و برای شرکت خود ما دغدغه بزرگی محسوب می‌شود. من راجع به جنبه کشاورزی این قضیه مطلب زیادی نمی‌دانم، اما راهکاری که خودمان تا الان به کار بسته‌ایم، این بوده که اختلاف قیمت بگذاریم. اختلاف قیمت خرید از کشاورز باید اینقدر فاحش باشد که برای کشاورز صرف کند که از سم استفاده نکند. به‌نظرمن، ضروری است که به کشاورزان اطلاع‌رسانی شود و آگاه‌سازی کامل صورت بگیرد که متوجه حساسیت شدید این موضوع باشند و بدانند وقتی اصول استفاده صحیح از سموم را ندانند و بی‌گدار به آب بزنند، بعداً عواقب آن گریبان تجار و خودشان را خواهدگرفت. منافع باغداران و تجار باید به هم گره بخورد، در غیر این‌صورت هر دو گروه متضرر می‌شوند.

بهروز آگاه:

تجربه کریدور سبز

۱۰، ۱۵ سال پیش پروژه کریدور سبز اجرا شد؛ در آن پروژه مقدار زیادی پسته بدون افلاتوکسین تولید شد. در آن مقطع تاجر ایرانی نمی‌توانست اختلاف قیمت را به کشاورز پرداخت کند که البته قابل درک بود، چرا که نهایتاً مصرف‌کننده اروپایی حاضر نبود بابت آن پسته، قیمت بالاتری پرداخت کند. به‌هرحال، پروژه کریدور سبز تجربه خوب و موفقی بود و می‌توان از آن درس گرفت.

محمدعلی انجم‌شعاع: تکلیف باغداران خرد و کوچک که انجام هزینه‌های سنگین تولید پسته بدون سم برایشان مقرون به‌صرفه نیست چه می‌شود؟

بهرام آگاه: در سطح تجاری همه کاری شدنی است، هرچند بستگی به این دارد با چه هدفی و در چه بازه زمانی این سوال مطرح باشد. مثلاً ممکن است یک کشاورز خرد حاضر باشد کلی هزینه کند و محصولش را برای تست به یک آزمایشگاه خارج از کشور ارسال کند و چند ماه هم برای دریافت

نتیجه صبر کند و هدفش از این کار انجام تحقیقات در این زمینه باشد که بتواند نحوه مصرف سمومش را مدیریت کند. ولی اینکه آیا این کار در سطح تجاری عملاً قابل انجام است یا نه، فقط مربوط به باقیمانده سموم نیست. مشکل خیلی بزرگ‌تری که در صنعت داریم این است که از جنبه‌های مختلف برای هر نوع کار یکنواخت و کنترلی که بخواهید انجام دهید، تولید خُرد با آن در تضاد شدید است. اینکه اساساً واحدهای تولید در کشور ما تقریباً خرد و کوچک هستند، حل تمام مسائل بعدی را مشکل می‌کند. این موضوعی است که متأسفانه صنعت پستهٔ ما از آن رنج می‌برد. البته راه‌حل این موضوع را نمی‌شود در کنترل‌های مربوط به باقیمانده سموم پیدا کرد. اگر راه‌حلی داشته‌باشد، شبیه راه‌حل‌های تجمیع مدیریت اراضی خواهدبود. یا در سطح خود کشاورزی، تولیدهای کوچک از روی میز کنار می‌روند و واحدهای تولیدی بزرگ‌تری شکل می‌گیرند، وگرنه در عمل این اتفاق روی نخواهدداد. تولیدکننده‌های کوچک هیچ‌وقت در موقعیتی نخواهند بود که از لحاظ تجاری بتوانند این نوع هزینه‌ها و دردسرها را متحمل شوند.

دنیس کتابی:
در خطر شوک باقیمانده سموم

من حدود ۱۵ سال پیش هشدار دادم که در آینده‌ای نزدیک بحث باقیمانده سموم پیش خواهدآمد و جدی خواهدبود. هرچند، خیلی ترتیب اثری در این مورد داده نشد. به‌دلیل مسائل کیفی، از جمله باقیمانده سموم در مغز کال، بسیاری از فعالین صنعت و سرمایه‌گذاران خودشان دارند به‌سراغ کشت و تولید آن در مناطق دیگر می‌روند. این اتفاق ظرف ۵ تا ۱۰ سال آینده روی سهم مغز سبز ایران در بازار جهانی اثرگذار خواهدبود. برای همین است که توصیه جدی من این‌است‌که مسئله باقیمانده سموم باید در باغ و توسط کشاورز جدی گرفته‌شود. بعد از شوک افلاتوکسین، شوک باقیمانده سموم ما را در خطر خواهدانداخت؛ چرا که در آینده می‌تواند باعث جایگزین شدن پسته رقیب در بازارها شود.

محمد صالحی: هر روز که می‌گذرد اخبار بدتری راجع به افزایش حساسیت‌ها در مورد باقیمانده سموم می‌شنویم. این موضوع یک اقدام جمعی است و همکاری کشاورزان را می‌طلبد. همه باید دست‌به‌دست هم بدهیم و به سمتی برویم که به این صنعت کمک کنیم.

محمدرضا فرشچیان:
تنوع دادن به بازارها در کوتاه‌مدت

باتوجه به افزایش روزافزون سختگیری‌ها و حساسیت بازارهای اروپا و ژاپن، من فکر می‌کنم در کوتاه مدت، یکی از روش‌های مدیریت این موضوع تنوع دادن به بازارهایمان است. باید کالای مغز سبز ایرانی را به‌طرف‌های دیگر سوق داد و شناساند. در گذشته، تا زمانی‌که بحران افلاتوکسین اتفاق افتاد، حدود ۹۰ درصد پسته خشک در پوست ایرانی به اروپا می‌رفت؛ بعد از آن، بازار پرحجم پسته ایرانی در اروپا جای خود را به بازارهای جایگزین مثل چین داد. اما مسئله اساسی که الان وجوددارد، بحث حجم است. متأسفانه، محصول از درخت چیده می‌شود، به انبار دلال یا صادرکننده می‌رود و تفکیک‌ناپذیر است و این موضوع برای کالا مشکل ایجاد می‌کند. از یک کالای ۳، ۴ یا ۵ تنی، چطور می‌خواهید آزمایش بگیرید؟! بعد برای کدام آزمایشگاه می‌خواهید بفرستید؟! امکان تستِ خیلی از سموم در آزمایشگاه‌های ایران وجودندارد و برای دقت و اطمینان بیشتر باید به آزمایشگاه‌های خارج از کشور فرستاد. دوستان کاملاً درست گفتند، واقعیت امر این است که باید تفاوت قیمت فاحشی بین محصول سالم بدون باقیمانده و محصولی که باقیمانده دارد، وجودداشته‌باشد. این موضوع در کشاورز ایجاد انگیزه می‌کند که کالای سالمِ بدون سم خریدار دارد و تقاضا برایش بالا است. اما مسئله اساسی و مهمی که وجوددارد این است که واقعاً باید بخش صادراتی و تجاری پسته ما که در این صنعت سرمایه‌گذاری کرده، حتماً متوجه بازارهای دیگر هم باشد. صادرکنندگان باید از تجمع بار در بازار اروپا پرهیز کنند و تا زمانی‌که از سلامت کالا مطمئن نیستند، جنس را به اروپا نفرستند که بعد برایشان مشکل پیش بیاید.

جمع‌بندی

اهم موارد مطرح شده در بخش چالش‌ها و تجربیات صادرکنندگان پسته در کنترل باقیمانده سموم:

- دو راهکار کنترل باقیمانده سموم بعد از مرحلهٔ باغ؛ یک. مهندسی محصول با تکنیک مخلوط کردن، دو. عقد قراردادهای همزمان (محصول با باقیمانده و بدون باقیمانده)
- اصلاح مدل تجاری جهت ایجاد منافع مشترک بین باغداران و تجار: از جمله دادن امتیاز یا جایزه به باغداران برای عدم استفاده از سم در باغات؛
- ایجاد بازارهای ثانویه که درجه سخت‌گیری کمتری نسبت به اتحادیه اروپا و ژاپن دارند؛
- افزایش حجم محموله‌های تجاری جهت کم کردن هزینه‌ها؛
- انجام تست‌های لازم در آزمایشگاه‌های خارج از کشور.